

## فانی کشمیری و هنر سخن‌گستری او

محمد محسن فانی کشمیری از زمره بزرگ‌ترین شعرای کشمیر و ادبیات فارسی هند محسوب می‌گردد. اغلب تذکره‌نگاران در اعتراف هنر سخن‌گستری فانی و اعتبار شایسته او در ادبیات فارسی سخن‌های سنجیده گفته‌اند. از آن جمله، در صفت هنر شاعری و مقام او در ادبیات سخن کرده، او را با اوصاف "نایغه بزرگ عصر"، "گنجینه فنون نکته‌دانی"<sup>۲</sup>، "از خوشنویان خطه دلپذیر کشمیر"<sup>۳</sup> موصوف گردانیده‌اند.

ملا محسن فانی کشمیری در عایله یکی از فضلالی خطه کشمیر، شیخ حسن ابن شیخ میرمحمد به دنیا آمده است. راجع به سال تولد او نظرات مختلفی میان تذکره‌نگاران و مورخین رایج است. خواجه عبدالحمید عرفانی<sup>۴</sup> تولد شاعر را ۱۶۱۵ و جانس میان سال‌های ۱۶۱۵-۱۶۲۳<sup>۵</sup> نوشته‌اند.

۱. غفاروف نظرات محققان قبلی را رد کرده، می‌نویسد که وابسته به آن که فانی را شاگرد صرفی نامیده‌اند، سال تولد او را می‌توان در سال‌های هشتادم عصر ۱۶ تخمین نمود، زیرا وفات صرفی به سال‌های ۱۶۹۴-۹۵ راست می‌آید.<sup>۶</sup>

ش. دیوانه‌یف نیز سال تولد فانی را به آخرهای عصر ۱۶ منسوب دانسته، برای تقویت فکر خود قصیده در وقت جلوس شاهجهان (۱۶۲۸) گفته شاعر را همچون

۱. عرفانی، خواجه عبدالحمید، ایران صغیر یا تذکره شعرای پارسی زبان کشمیر، ص ۱۴۸.

۲. قدرت الله گوپاموی، نتایج‌الافکار، ص ۵۴۱.

۳. سلیم، سید علی حسن خان بهوپالی، صبح گلشن، ص ۳۰۸.

۴. ایران صغیر یا تذکره شعرای پارسی زبان کشمیر، ص ۱۴۸.

5. Hollister, John Norman. The Shi'a of India, p.150.

۶. غفاروف ع. مقدمه، غنی کشمیری، منتخبات، ص ۲۰۶.

اساس آورده، به خلاصه‌ای می‌آید که فانی در سن ۱۳ سالگی قصیده مذکور را گفته نمی‌توانست، زیرا "شخص ۱۳ ساله هرچند صاحب استعداد هم، برای او گفتن قصیده خیلی مشکل است".<sup>۱</sup>

از تحلیل نظرات این محققان می‌توان به نتیجه رسید که سال ۱۶۱۵ را چون سال تولد فانی پنداشتن صحیح نیست. زیرا دقیقاً معلوم است که سال ۱۶۷۰ سال وفات اوست، آن گاه مقرر می‌گردد که فانی باید ۵۵ سال عمر دیده باشد. اما اشعار خود فانی این احتمال را رد می‌نماید. چون که شکوه فانی از رنج ایام پیری گواه روزگار پر دوام وی است. مثلاً در موردی می‌فرماید:

قامتم خم گشت و رویم زرد و مواز غم سفید      عشق در عین شباهم جمع کرد اسباب شیب  
گریه اندوه پیری برد نور از چشم تر      گشت بی‌آب این حباب از موج سیلاب شیب<sup>۲</sup>  
یا در مورد دیگر می‌فرماید:

گر ترا از ضعف پیری قوت رفتار نیست      بر سر راهش به یک پا چون عصا ایستاده باش<sup>۳</sup>  
از اینجا می‌توان، به اندیشه ع. غفاروف و ش. دیوانه‌یف در مورد سال تولد و فاصله روزگار شاعر اظهار هم رای می‌نمود.

اکثر مؤلفان معتقداند که فانی علوم و فنون مستعمل زمانش را از صرفی کشمیری آموخته است که با وی ارتباط خویشاوندی داشت. در تثبیت این گفته می‌توان، به نوشته مؤلف «تاریخ اعظمی» رجوع نمود که گفته: "از بنی اخوان حضرت جامع‌الکمالات شیخ یعقوب صرفی‌ست"<sup>۴</sup>. بر این نکته مؤلفان تذکره‌های «نتایج الافکار»<sup>۵</sup>، «صحف ابراهیم»<sup>۶</sup>، «صبح گلشن»<sup>۷</sup> و «مجمع‌النفایس»<sup>۸</sup> نیز اشارتی دارند.

۱. دیوانه‌یف ش.، مقدمه، فانی کشمیری، منتخب اشعار، ص ۳-۴.

۲. فانی کشمیری، منتخب اشعار، ص ۱۰.

۳. همان، ص ۱۱.

۴. خواجه اعظم دیده‌مری، تاریخ اعظمی، ص ۱۷۰.

۵. نتایج الافکار، ص ۵۴۱.

۶. راشدی، سید حسام‌الدین، تذکره شعرای کشمیر، ج ۲، کراچی، ۱۹۶۷، ص ۶۲۹.

۷. صبح گلشن، ص ۳۰۸.

۸. آرزو، سراج‌الدین علی خان، مجمع‌النفایس، ص ۲۸۰.

پس از ادامه تحصیلات او سرودن اشعار را به زبان فارسی آغاز کرد و در اشعار خود فانی تخلّص نمود. به قول خودش اصلاح شعر از کسی نگرفت: ز کس اشعار فکر من گر اصلاحی نمی‌خواهد نه احتیاج باغبان گل‌های خودرو را<sup>۱</sup> و هم جای دیگر گوید:

هرچند که از کس خط ارشاد نداریم استادتر از خویش کسی یاد نداریم<sup>۲</sup>

پس از فراغت یافتن از علوم متداوله فانی به گرد و اطراف هند مسافرت‌های زیادی اختیار کرده. در زمینه همین گونه مسافرت‌ها بود که سفر بلخ نیز برایش میسر گردید. در بلخ او به خدمت والی آنجا نظر محمد خان مشرف گشته، در توصیف و مدح و ثنای او چندین قصیده سروده است. بعد از چند مدت فانی ترک خدمت کرده، به هندوستان آمد و از پی ایجاد و روزگار خویش گشت.

درباره عقاید دینی فانی در سرچشمه‌ها اندیشه‌های مختلف ارائه شده‌اند. از آن جمله، بنا به معلومات «تاریخ حسن» فانی «در اوایل به مذهب آزاد بود و با هر ملت صلح کلّ می‌داشت و مذهب حکما را وثوق می‌داد»<sup>۳</sup>.

درستی این نکته را اشعار فانی نیز به ثبوت می‌رساند. چون که در بعضی موارد او به این امر اشاره‌ها دارد. مثلاً، جایی می‌فرماید:

ز دیر و خانقه بیرون بود راه سلوک ما نیست در جهان کاری، به شیخ و برهمن ما را<sup>۴</sup>

به وجه ارتباط معنوی با شاهزاده داراشکوه که از زمره استناداران فرهنگ‌پناه بود، فانی به دربار وی راه یافته، از مقرّبان او می‌گردد. در تقویت این گفته می‌توان به نظر مؤلف تذکره «صحف ابراهیم» رجوع نمود که فرموده:

«و بعد از آن به سبب مناسبت علم تصوّف با شاهزاده داراشکوه ربط خاص به هم رسانید. و شاهزاده مذکور کتب تصوّف را از وی استفاده نمود»<sup>۵</sup>.

۱. ظفرخان، محمد، محسن کشمیری، ص ۴۰.

۲. همان.

۳. حسن، پیرغلام، تاریخ کشمیر، جلد ۲، ص ۳۷۳.

۴. فانی کشمیری، منتخب اشعار، ص ۲۹.

۵. تذکره شعرای کشمیر، ج ۳، ص ۱۰۵۸.

موضوع با داراشکوه تقرّب معنوی پیدا نمودن فانی را می‌توان از اشعار خود او بازجست:

بی‌نیاز از دولت کونین شد فانی چو دید    مطلع انوار شاهی جبهه‌شاهزاده را<sup>۱</sup>  
همچنین، در خصوص احترام و ارادتی که به شاهزاده باوقار داشت، چنین گفته:  
فانی که سجده بر در داراشکوه کرد    دیگر سرش فرود به هر در نمی‌شود<sup>۲</sup>

فانی توسط داراشکوه توانست به درگاه شاه جهان نیز راه یافته، در آنجا به منصب دست یابد. در اشارت به این نکته است که مؤلف «مجمع‌النفایس» می‌نویسد: «جامع امرای عهد شاه جهانی تعظیم و تکریم او داشتند»<sup>۳</sup>. حتّی خود شاه جهان نسبت به فانی احترام و مناسبت خوب داشته است. تصدیق این گفتار در معلومات شیرخان لودی خیلی روشن است: «صاحبقران ثانی توجّه تمام به حالش مرعی می‌فرمودند»<sup>۴</sup>.

بنا به معلومات محمد ظفرخان از آن قصاید متعددی که فانی در مدح شاهجهان گفته است، تنها دو تایش به ما رسیده است که یکی از آنها در «مرآت‌الخیال» و دیگری در «مصدرالاثار» مرقوم است<sup>۵</sup>.

در نتیجه بذل و توجّهات شاهانه، فانی به صدارت اله‌آباد سرفراز گشت<sup>۶</sup>. راشدی سبب به این مقام رسیدن فانی را نتیجه همان «رابطه خصوصی» دانسته است که بین شاعر و داراشکوه وجود داشته<sup>۷</sup>. او همچنین، به نادرست بودن معلومات خواجه اعظم دیده‌مری راجع به آن که فانی صدارت کشمیر را یافته است<sup>۸</sup>، اشارت کرده، می‌نویسد که فانی «صدارت اله‌آباد یافت، نه صدارت کشمیر»<sup>۹</sup>. شاید محمد ظفرخان به معلومات

۱. ظفرخان، محمد، محسن کشمیری، ص ۴۱.

۲. تذکره شعرای کشمیر، ج ۳، ص ۱۰۶۳.

۳. مجمع‌النفایس، ص ۲۸۰.

۴. شیرخان لودی، مرآت‌الخیال، ص ۱۶۶.

۵. ظفرخان، محمد، محسن کشمیری، ص ۴۰.

۶. همان.

۷. تذکره شعرای کشمیر، ص ۱۰۶۳۳.

۸. تاریخ اعظمی، ص ۱۷۰.

۹. تذکره شعرای کشمیر، ج ۳، ص ۱۰۴۹.

«تاریخ اعظمی» تکیه کرده که چنین نوشته: «فانی به عهدهٔ صدارت کشمیر و بعداً به اله‌آباد سرفراز گشت»<sup>۱</sup>.

مطابق معلومات مأخذهای علمی و ادبی محض در همین دوره در تفکر دینی و مذهبی فانی تحولات جدی رخ داد. فانی هنگام در اله‌آباد بودنش از دست یکی از عرفای مشهور زمان شیخ محب‌الله اله‌آبادی خرقهٔ ارادت پوشیده، دل را به نور تصوف و معرفت تافت.<sup>۲</sup>

ذبیح‌الله صفا نیز ضمن بررسی این مسئله می‌نویسد که «از این هنگام است که اثر اندیشه‌های صوفیانه را در شعر فانی می‌توان مشاهده برد»<sup>۳</sup>.

در مورد ارادت خویش به شیخ محب‌الله خود فانی جایی فرموده:

پیریم و مرید حضرت ال‌لهیم یعنی که محب خاص ملاشاهیم  
محبوب و محب و حبّ ما گشت بسی در سلسلهٔ شاه محب ال‌اهیم<sup>۴</sup>

در بارهٔ عقاید دینی فانی پیر حسن همچنین نوشته:

«در اوایل به مذهب آزاد بود...، اما در آخر عمر به خدمت حضرت محمّد امین دار مشرف شد و دست انابت به دامن عاطفت ایشان زده، از خیالات باطل درگذشت و به علوم معنوی و تلقین آن جناب بهره‌مند گشت. آن گاه تا حین حیات در گریه و زاری و توبه و استغفار اوقات به سر می‌برد»<sup>۵</sup>.

فانی به دلیل افتادن از نظر شاه و بی‌منصب شدن مدت زیادی در اله‌آباد نماند. بنا به معلومات تذکره‌ها علت اصلی از امور دولتی دور شدن فانی همان قصیده‌ای بود که او در مدح والی بلخ نذر محمّد خان نوشته بود<sup>۶</sup>. تفصیل این واقعه در تذکرهٔ «مرآت‌الخیال» به طریق ذیل آمده:

۱. ظفرخان، محمد، محسن کشمیری، ص ۴۰.

۲. حسن، پیر غلام، تاریخ کشمیر، جلد ۲ ص ۳۷۳.

۳. صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، جلد ۵، بخش ۲، ص ۱۲۸۶.

۴. تذکرهٔ شعرای کشمیر، ج ۳، ص ۱۰۶۲.

۵. تاریخ کشمیر، جلد ۲، ص ۳۷۳.

۶. تذکرهٔ شعرای کشمیر، ج ۳، ص ۱۰۵۸؛ صبح گلشن، ص ۳۰۸.

”چند روز در صوبه اله آباد خدمت صدارت داشت و مرجع خاص و عام آن دیار بود. صاحبقران ثانی توجه تمام به حالش مرعی می فرمودند، اما چون فتح بلخ بر دست سلطان مرادبخش اتفاق افتاد و نذر محمد خان تخت نشین آنجا جریده بگریخت و اموال وی ضبط شد، در کتابخانه اش دیوان شیخ محسن مشتمل بر مدح خان مذکور یافتند. از آن روز از نظر پادشاه افتاد و بی منصب شد و از خدمت صدارت معزول گردید. اما سالیانه فراخور حالش مقرر گشت“<sup>۱</sup>.

بعد از آن که فانی از صدارت اله آباد معزول گردید، او به کشمیر برگشته، گوشه عزلت را پسندید و پس از آن تا آخر عمر از کشمیر قدم بیرون ننهاده. پس از این شاعر بارها تأکید می کند که اگر ورا به ملک خانی و دربار دعوت نکنند هم باکی نیست، زیرا شاعر در قناعت به مرتبه شاهی رسیده است. اشارت زیر از او به اصل اندیشه بالا گواه است:

چو شاه ملک قناعت شدم، چه غم دارد اگر ز شاه جهانم خطاب خانی نیست<sup>۲</sup>

شیرخان لودی درباره این قسمت حیات شاعر نوشته:

”...همواره به درس و افاده اشتغال داشتی و اکثری از شاگردانش ساده رو بودند. در میان باغچه حول نشیمنی مربع با حوض سنگین ساخته، حوض خانه نام کرده بود و هنگام نصف النهار در آنجا می نشست و یک یک شاگرد به نوبت به جهت سبق می رفت“<sup>۳</sup>.

فانی خانه خود را به تعلیم گاهی مبدل نمود که در آنجا به شاگردانش از علوم فلسفی و ادبی درس می گفت. نتیجه این شده که از دامن تعلیم او بزرگان زیادی به وایه رسیدند، همچون محمدطاهرغنی و حاجی اسلم سالم.

ذبیح الله صفا نیز راجع به این مسئله ابراز نظر کرده، از آن جمله چنین نگاشته:

”چون گروهی از پارسی دانان و پارسی گویان هند زیر دست او تربیت یافتند،

۱. مرآت الخیال، ص ۱۶۷.

۲. ظفرخان، محمد، محسن کشمیری، ص ۴۰.

۳. مرآت الخیال، ص ۱۶۷.

مقام خاصی در تاریخ ادب فارسی در هند دارد<sup>۱</sup>.  
 فانی در کشمیر آنچنان صاحب عزت و اکرام گردید که به قول عبدالقادر سروری:  
 «این گونه مرتبه پس از شیخ یعقوب صرفی کشمیری و بابا داوود خاکی کم  
 شاعران را نصیب گشته بود»<sup>۲</sup> و حاکمان و اکابر کشمیر به ملاقاتش می‌رفتند.  
 عاید به مناسبت فانی و ظفرخان احسن که مدت مدیدی استاندار کشمیر بود، دو  
 نظریه رایج است. نخست این که میان ظفرخان و فانی ارتباط قوی موجود نبود، بلکه  
 ضدیتی جریان داشته. دلیل اصلی این گفته همان حکایتی است که مؤلف «مرآت الخیال»  
 به قلم آورده:

«گویند شیخ را با یکی از لولی‌های کشمیر که ناجی نام داشت و در غایت  
 رعنایی و نهایت حسن و جمال بوده است، دلبستگی تمام بود.  
 از اتفاقات هم در آن ایام ظفرخان ناظم کشمیر نیز تعلق پیدا کرد و هرچند او  
 را به نقد و جنس فریب داد، خاطر به جانب خود مایل نیافت. آخر از  
 واسوختگی‌ها غزلی در هجو ناجی و شیخ محسن فانی گفته شهرتش داد...  
 چون این غزل به شیخ رسید، بنا بر ملاحظه حکومت ظفرخان ناشنیده انگاشت  
 و خاطر به جواب آن فرود نیاورد»<sup>۳</sup>.

ولی اگر به منطق این سخن که واقعه مذکور باعث اختلاف میان ظفرخان و فانی  
 گردیده، بیندیشیم، صحیح نیست، زیرا فانی در نگاشته‌های خویش بارها در وصف  
 ظفرخان سخن‌های صمیمانه گفته است. مثلاً، هنگام ورود ظفرخان احسن به کشمیر در  
 سال ۱۶۴۳ خیلی خوشحال گردیده، در مدح او غزلی گفته که از آنجاست:

وزید باد بهار و نوید یار آمد      بیار باده که یار آمد و بهار آمد  
 به دشت لاله شکفت و به باغ سبزه دمید      نهال شیشه و ساغر به برگ و بار آمد  
 بهار گلشن کشمیر باز رنگین شد      که ابر فیض ظفرخان کامگار آمد<sup>۴</sup>

۱. تاریخ ادبیات در ایران، جلد ۵، بخش ۲، ص ۱۲۸۵.

۲. سروری، عبدالقادر، کشمیر میں فارسی ادب، یکی ارتج، ص ۱۳۴.

۳. مرآت الخیال، ص ۱۶۸.

۴. فانی کشمیری، منتخب اشعار، ص ۶۹.

از جانب دیگر، خود ظفرخان در دیباچه دیوانش در ردیف شعری که حین اقامتش در کشمیر اشتراکچی بزمهای ادبی دربار او بودند، از فانی نیز نام برده<sup>۱</sup>. ولی با ذکر معلومات فوق ما ادعای تمام بر آن نداریم که هیچ گونه تضادی میان ظفرخان و فانی کشمیری نبوده. چون که در بعضی اشعار فانی آهنگ شکوه به نظر می‌رسد که آن گواه موجودیت چنین تضاد موقتی است. مثلاً، در موردی می‌فرماید:

گو ظفرخان، داغ شو امشب که فانی این غزل

در اله‌آباد پیش قدردانی گفته است<sup>۲</sup>

اگر چنین تضادی میان ایشان برخاسته، آن هم موقتی بوده و ریشه قوی نداشته است. و این هم بعد از سال ۱۶۴۳، پس از دوباره تعیین شدن ظفرخان به منصب استاندار کشمیر باید صورت گرفته باشد. اما گمان غالب آن است که فانی باید از این عمل اظهار ندامت کرده. چون که فانی بعد از به دهلی رفتن در دوری از کشمیر این مصرع‌ها را گفته است:

فانی از بخت سیاهت شده در هند وطن ورنه جای تو به جز گوشه کشمیر نبود<sup>۳</sup>

راجع به سال وفات فانی نیز میان تذکره‌نگاران نظرات و اندیشه‌های مختلف ارائه گردیده‌اند. بنا به معلومات «مرآت‌الخیال»<sup>۴</sup>، «نتایج‌الافکار»<sup>۵</sup>، «صبح گلشن»<sup>۶</sup> وفات فانی به سال ۱۰۸۱ (۷۱/۱۶۷۰) راست می‌آید. خواجه اعظم دیده‌مری، فوت فانی را به سال ۱۰۸۲ (۷۲/۱۶۷۱) منسوب می‌داند<sup>۷</sup>. همچنین، بنا به معلومات همین مؤلف تاریخ وفات شیخ محمد محسن فانی را چنین یافته‌اند:

«رفته فانی به عالم باقی» (۱۱۸۲)<sup>۸</sup>.

۱. دیوان ظفرخان احسن، ص ۱۷۵.

۲. تذکره شعری کشمیر، ج ۳، ص ۱۰۶۴.

۳. سروری، عبدالقادر، کشمیر میں فارسی ادب، کی آرٹس، ص ۱۳۵.

۴. مرآت‌الخیال، ص ۱۶۸.

۵. نتایج‌الافکار، ص ۵۴۲.

۶. صبح گلشن، ص ۳۰۸.

۷. تاریخ اعظمی، ص ۱۷۰.

۸. همان.



از این رو، معلومات خواجه اعظم را نسبتاً صحیح‌تر شماریدن امکان دارد، زیرا او این تاریخ را مطابق حساب ابجد تعیین کرده است.

از فانی میراث گرانبها باقی مانده است:

۱. «مصدرالاثار»؛ ۲. «ناز و نیاز»؛ ۳. «ماه و مهر»؛ ۴. «هفت اختر»؛ ۵. «دیوان فانی»؛
۶. «دبستان مذاهب»؛ ۷. «نجات‌المومنین» (منثور)؛ ۸. «شرح «عین‌العلم» (منثور)؛
۹. دیباچه بر مثنوی ملاشاه.

فانی شاعری است که در اکثر شکل‌های اساسی نظم لیریکی هنر خود را آزموده است. توجه به آثار او نشان می‌دهد که وی داستان، قصیده، غزل، رباعی، قطعه و... سروده که از غناوت آثارش درک می‌دهند.

فانی هنگام برحیات بودن دیوان خود را تدوین کرده بود. در «ریاض‌العارفین» مقدار ابیات دیوان فانی ۵ هزار بیت<sup>۱</sup> و در «صبح گلشن» ۶ هزار<sup>۲</sup> نشان داده شده‌اند. دیوان فانی مشتمل بر غزلیات و رباعیات در سال ۱۸۹۳ در مطبعه حیدرآباد دکن به اهتمام مولوی محمد رحیم‌الدین و مولوی محی‌الدین خوشنویس از نسخه خطی که سال ۱۶۷۵ کتابت شده و آن مال خانواده شاعر بوده است، به نشر رسید. همچنین، در سال ۱۹۶۷ با سعی و اهتمام گ. ل. تیک و «دیوان» فانی در تهران به طبع رسید که مقدمه آن به قلم سعید نفیسی متعلق است.<sup>۳</sup>

نسخه دیوان فانی در کتابخانه اندیا آفیس تحت رقم ۱۵۹۹، در کتابخانه اود زیر رقم ۲۰۰<sup>۴</sup> نگاه داشته می‌شود.

در کتابخانه دانشگاه پنجاب نیز نسخه دیوان فانی که نامکمل است، محفوظ است.<sup>۵</sup>

۱. تذکره شعرای کشمیر، ج ۳، ص ۱۰۵۰.

۲. صبح گلشن، ص ۳۰۸.

۳. تذکره شعرای کشمیر، ج ۳، ص ۱۰۶۵.

4. Ethe H. Catalogue of Persian, Turkish, Hindustani Manuscripts in the Bodleian Library, p. 877.

5. Sprenger A., A Catalogue of the Arabic, Persian and Hindustany MSS of the Libraries of the King of Oudh, p. 393.

۶. ظفرخان، محمد، محسن کشمیری، ص ۴۴.

یک چند دست‌نویس دیوان فانی که در سال ۱۹۰۲ کتابت شده‌اند، در ذخیره دستخط‌های شرقی انستیتوت شرق‌شناسی جمهوری ازبکستان تحت رقم‌های II/۱۹۶۲، VI/۱۰۴۱، I/916، II/۳۴۴۳، II/۹۱۴ نگهداری می‌شوند.<sup>۱</sup>

در گنجینه دستنویس‌های شرقی آکادمی علم‌های جمهوری تاجیکستان کلیات فانی که در سال ۱۸۱۶ استنساخ شده است، تحت رقم ۳۶۳ نگاه داشته می‌شود که سه مثنوی («مصدرالآثار»، «هفت اختر»، «ناز و نیاز»)، قصیده و قطعه‌های تاریخی و غزلیات شاعر را در بر می‌گیرد.<sup>۲</sup> همچنین، در همین کتابخانه تحت رقم ۹۵۶ / ۱ «غزلیات فانی» که در سال ۱۸۱۱ در بخارا کتابت شده است، موجود است.<sup>۳</sup>

فانی، پیش از همه، شاعر عارف و فیلسوف است که دیدش عمیق است و بیشتر به مسایل فلسفی و اخلاقی و عرفانی توجه می‌کند و با این فضیلت در ردیف عرفای صاحب ارج ادب فارسی قرار دارد.

اندیشه‌های عرفانی فانی بیش از همه، در رباعیات او جلوه کرده‌اند.

فلسفه وحدت وجود در تفکر عرفانی فانی نقش بارز دارد:

این پست و بلندی که شما می‌بینید      خود عین خدایید و خدا می‌بینید  
 گه موج شوید و گاه قعر دریا      یک قطره اگر به چشم ما می‌بینید<sup>۴</sup>

جای دیگر این معنی به طور ذیل صدا داده است:

عالم باغ است و ما در آن باغ چو گل      اما آن گل که هست عین بلبل  
 عینی داریم و عینک جز و کلیم      گه جزو درآییم به چشم و گه کل<sup>۵</sup>

در اشعار فانی برای افاده هستی عارف معادل‌های مختلف به کار گرفته شده است. فانی گاهی بر وجه آن که دل عارف پاکیزه از همه قیود است و صفای ساده لوحانه آینه را در خود مقتبس کرده، او را با توصیف ساده لوح، یعنی لوح دلش پاک، یاد می‌کند:

۱. مجموع نسخ خطی آکادمی علوم ازبکستان، ج ۶، ص ۲۶۴-۲۶۸.

۲. فهرست نسخ خطی آکادمی علوم تاجیکستان، ج ۳، ص ۱۳۸.

۳. همان، ص ۱۴۰.

۴. فانی کشمیری، منتخب اشعار، ص ۱۷۲.

۵. همان.

ساده لوح از صحبت اهل تعلق فارغ است صفحه آینه را مسطر نمی‌آید به کار<sup>۱</sup>  
در این بیت منظور از اهل تعلق کسان دنیادار، دنیاپرست است که همیشه مخالف  
نظر و اندیشه عرفا قرار دارند.

جای دیگر عارف را فانی خلوت پیشه نام می‌برد:

حاجت اثبات شهرت نیست خلوت پیشه را مرغ را در بیضه بال و پر نمی‌آید به کار<sup>۲</sup>  
گاهی ضمن ارائه حقیقت ایشان فانی از عرفا به اصطلاح «می‌پرستان» یاد می‌کند که  
مست عشق الهی فریاد بی‌خودی می‌کشند:

می‌پرستان را چو فانی حاجت ارشاد نیست چون کسی از خود رود رهبر نمی‌آید به کار<sup>۳</sup>

در مورد دیگر آنها را «مردم آزاده» می‌خواند:

بر سرت گر جا دهند اهل تعلق، تن مده در مقام بندگی با مردم آزاده باش<sup>۴</sup>  
در این بیت این چنین اصطلاح صوفیانه به نظر می‌رسد که آن مقام بندگی است.  
به پندار عرفا مقام بندگی حالتی است که صوفی اظهار عبودیت الهی کرده، به جز او  
دامان کس دیگر نمی‌گیرد. در ارتباط با همین معنی است که می‌فرماید:

فانی ار خواهی که گردی سجده‌گاه اهل دل روز و شب در زیر پا افتاده چون سجاده باش<sup>۵</sup>  
اصطلاحات «پیر»، «مرشد»، «انسان کامل» که افاده‌گر راهبر، راهنما است، در اشعار

فانی نیز بر این معناست:

تا مرشد عشق گشت استاد مرا از مکر عشق کرد آزاد مرا

از راز نهان سخن نگویم با کس استاد چنین داد سبق یاد مرا<sup>۶</sup>

به اندیشه فانی برای رسیدن به خودی خود و پیوستن به اصل انسان را می‌باید که  
از هستی موهوم خود برون آید. زیرا میان خود او و اصل او حجابی است که تا برداشته

۱. فانی کشمیری، منتخب اشعار، ص ۱۲۷

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان، ص ۱۳۱

۵. همان.

۶. همان، ص ۱۷۷.

نشود عارف به اصل خویش نپیوندد:

فانی نقاب هستی موهوم دور کن تا بهره‌ور ز دولت دیدار خود شوی<sup>۱</sup>

همین طور، در اشعار فانی مسایل مهم عرفانی به طور مفصل طرح‌ریزی گردیده، نکته‌های اساسی آن تفسیر و معنی‌داد یافته‌اند. بحث پیرامون عرفان فانی امکان می‌دهد که ما به کشف دنیای معنوی شاعر راه یافته، ارزش آن را در قلمرو ادبیات فارسی مقرر نماییم. فانی برابر آن که بیشتر توجه به مسایل فلسفی و عرفانی می‌کند، از مسایل اجتماعی و اوضاع زمانه خویش نیز بی‌طرف نیست. او چون یک انسان دلسوز جهت رفع نقصان و نارسایی‌های عهدش نظرات خویش را در قالب غزلیاتش گنجایش داده، در آینه اشعارش روح زمانه را تجسم کرده است. بر این وجه، اشعار اجتماعی فانی یک نوع ویژگی تاریخی شناخت احوال اجتماعی زمان را به دوش دارند. مثلاً، جایی او می‌فرماید:

صلح کلّ تا سرمه وحدت کشید در چشم من از حرم تا دیر دیدم جلوه الله را<sup>۲</sup>

در نظر اول معنی بیت بالا را می‌توان همچون فلسفه وحدت وجود تفسیر نمود. ولی عبارت صلح کلّ ما را به زمانه خود می‌برد و از تاریخ سخن می‌گوید. چنان که در بخش حیات سیاسی ذکر نمودیم، در این دوره به علت افزایش تضادهای میان هندوان و مسلمانان در قلمرو هند عده‌ای از دانشمندان برخاستند که جهت پیش‌گیری این تضاد تعلیمات صلح کلّ را پیش گذارند. ایشان با دریافت عمومیت در تعلیمات همدیگر به عامه و مدعیان دور ثابت می‌کردند که مطلب همه ما یک است و همه یک چیز می‌خواهیم، ولی با الفاظ و راه و اصول‌های دیگر. همین طور، بیت بالا یک نوع افاده‌گر همین تضادهای زمانه است. شاعر می‌گوید که من چون به ماهیت و جوهر صلح کلّ و وحدت وجود رسیدم، همه جا را لبریز انوار حق دیدم.

در اشعار فانی گاهی شکوه از بی‌قدری سخن و اهل سخن به نظر می‌رسد:

بیگانه‌اند اهل هنر پیش جاهلان هما به مجلس زاغ و زغن غریب

اهل سخن به شهر خموشان شتافتند بر صفحه ماند چون در یکتا سخن غریب<sup>۳</sup>

۱. فانی کشمیری، منتخب اشعار، ص ۱۶۳.

۲. همان، ص ۲۸.

۳. همان، ص ۳۷-۳۸.

یکی از نکته‌های اساسی افکار اجتماعی فانی تذکر زمانه و اهل جاه و زهد است. او احساس می‌کند که این مردم با صحبت‌های دلخراش و بی‌معنی موجب رنجش دل‌های اهل نظر گشته‌اند. شاید یکی از مهم‌ترین عوامل اجتناب زهدفروشان از خلق همین بی‌مغزی و کاستگی سخن ایشان است. در رابطه به این گفته می‌فرماید:

کسی جز نیش کی چینه‌گلی از صحبت مردم که غیر از خار باری نیست نخل باغ دنیا را<sup>۱</sup>  
فانی در مرحله‌ای از عمرش گرفتار فقر بود، ولی از این فقر خویش هرگز دل‌سرد نیست. چون که او خوب می‌داند که در این فقر او غناوت بزرگی نهفته است. چنان که خود وی می‌گوید:

فانی، از زاویه فقر نگردد دل‌سرد آتش ارگرم کند جای، به گلخن چه عجب؟<sup>۲</sup>  
ولی جالب توجه است که با این همه فقر و ناداری هرگز او نومید نیست. بلکه با افتخار و با امید نیک به آینده می‌نگرد، همیشه در انتظار وصال دوست است و سخن از شادی و فرح می‌گوید:

غم مخور، فانی که آخر این بلاهای سیا بر سر ما سایه‌بال هما خواهد شدن<sup>۳</sup>  
از همین جهت، در اشعار فانی توجه به شادمانی و فرح، کامرانی نسبت به یأس و ناامیدی برتری دارند. مثلاً:

به آب چشمه میخانه زندگانی کن لب پیاله به لب گیر و کامرانی کن<sup>۴</sup>  
از اینجا روشن می‌گردد که فانی شاعر زنده‌دل و حیات‌دوست است. اشعار وی نه تنها افاده امیدهای نیک خود اوست، بلکه خواننده را نیز به آینده نیک امید بخشیده، از یأس و رنجوری و حزن و اندوه دور می‌دارد.

مسایل عشقی بیشتر به شکل واقع‌گویی افاده شده‌اند. از این رو، در اشعار فانی معاملات عاشقانه از زبان گل و بلبل، لیلی و مجنون، فرهاد و شیرین و امثال اینها افاده می‌گردد. مثلاً:

۱. فانی کشمیری، منتخب اشعار، ص ۲۸.

۲. همان، ص ۳۹.

۳. همان، ص ۱۵۵.

۴. همان.

نقش فرخ‌فال مصحف خطّ و خال روی اوست حسب حال رشته دل پیچ و تاب موی اوست<sup>۱</sup>  
 یکی از خصوصیت‌های اشعار عاشقانه فانی در آن ظهور می‌کند که شاعر با استفاده  
 صنایع شعری مستعمل اکثراً به توصیف جمال معشوق متوجّه گشته، از «خطّ و خال»،  
 «زلف پریشان»، «قامت سرو»، «ابروی زیبای یار» سخن می‌کند. از آن جمله:  
 تا ابد خواب پریشان دید و سر بالا نکرد زلف، کز آشفنگی سر بر سر زانوی اوست<sup>۲</sup>  
 او در عشق محبوب سوز و شور و عصیان می‌کند که جنون سر تا پایش را فرا  
 می‌گیرد و خرد در کار عشق عاجز می‌ماند:  
 کس را خرد به عشق تو رهبر نمی‌شود این راه جز به پای جنون سر نمی‌شود<sup>۳</sup>  
 جای دیگر وی در راه عشق محبوب از سر خویش گذشته، از هیچ گونه تیغ بلا  
 نمی‌هراسد:  
 فانی و من به راه عشق هر دو ز سر گذشته‌ایم تیغ بلا اگر زند بر سر ما، چه می‌کند<sup>۴</sup>  
 اقتدار هنری و سخن گستری فانی نیز از مهمترین عامل‌های شناخت مقام روحانی و  
 هنری شاعر در قلمرو ادبیات فارسی محسوب می‌گردد. چون فانی در قلمرو سبک  
 هندی گام می‌زند و خود او شاعر مقلّد نیست، پیداست که در مورد گسترش و کمالات  
 این شیوه سخن گستری حیثیت هنر خویش را ظاهر کرده است.  
 فانی در آفریدن مضمون‌های شاعرانه و ترکیبات و تعبیرهای زیبا هنرمند است. از  
 این رو، در شعر وی می‌توان به بسیار ترکیبات لطیف شاعرانه که حامل مضمون‌های  
 بکر باشند، دچار آمد. برای مستند ساختن این اندیشه به نمونه‌های اشعار فانی مراجعت  
 خواهیم نمود.  
 از اشک چراغان کردن گرد خویش، کنایه از گریه افزون عارف، ولی اینجا به خود  
 شاعر و وضع روحی او نسبت گرفته است:

۱. فانی کشمیری، منتخب اشعار، ص ۴۹.

۲. همان.

۳. تذکره شعرای کشمیر، ج ۳، ص ۱۰۷۰.

۴. همان.

به چشمم در نمی‌آید چو شب‌ها نور کوكب‌ها

چراغان می‌کنم از اشک خونین گرد خود شب‌ها<sup>۱</sup>

پای در زنجیر بودن، به دو معناست، یکی بندی، اسیر بودن، دیگر بند زلف یار

ماندن است:

گرچه همچون شانه دارم پای در زنجیرها در سواد شهر زلفش می‌کنم شبگیرها<sup>۲</sup>

به چشم ساغر افتادن گل-کنایه از نابینا شدن، گل افتادن به معنی نور بصیر را گم

کردن چشم است، اینجا منظور نگاه مستانه که از می ساغر گیراتر است:

گل به چشم ساغر افتادست تا در باغ حسن آب از می داده‌اند آن نرگس مستانه را<sup>۳</sup>

### مثنویات فانی

مورد ذکر است که فانی روش خمسه‌نویسی را در کشمیر ادامه داده است. متأسفانه، پس از نوشتن چهار مثنوی رشته عمرش برکند و به او میسر نگرددید که مثنوی پنجم را نیز به سلک تحریر کشیده، «خمسه» خویش را مکمل سازد.

به قلم فانی مثنوی‌های «ناز و نیاز»، «میخانه»، «مصدر الاثار» و «هفت اختر» متعلق است.

مثنوی «ناز و نیاز» شامل ۱۹۶۱ بیت بوده، در جواب مثنوی «خسرو و شیرین» نظامی گنجوی تألیف گردیده است. از لحاظ موضوع مثنوی «ناز و نیاز» حامل مسئله عشقی بوده، همچون اثر تاریخی، رمانتیکی اعتراف شده است. وجه اصلی اعتراف مثنوی همچون اثر تاریخی در آن است که آن داستان معاشقات سعید موسی و ماهینی را فرا می‌گیرد که هر دو شخصیت تاریخی بوده، به روزگار اکبر حیات به سر می‌بردند. از معلومات مؤلف در قسمت «در بیان سبب تألیف کتاب» می‌توان نتیجه برداشت که اصلاً مثنوی مذکور باید با درخواست یا سفارش کسی تألیف شده. زیرا وجوه اصلی این گفته چند بیت فانی در این مثنوی است:

۱. فانی کشمیری، منتخب اشعار، ص ۲۱.

۲. همان، ص ۲۲.

۳. همان، ص ۲۴.

به من فرمود شرح عشق دادن به وصف حسن خوبان لب گشادن<sup>۱</sup>  
یا جای دیگر مطلب روشتر است:  
به این خدمت چو من مأمور گشتم به علم عاشقی مشهور گشتم<sup>۲</sup>

آشنایی با مطلب اساسی و غایی اصلی مثنوی ما را به نتیجه‌ای می‌رساند که شاید این مثنوی در پرتو سیاست صلح کلّ زمان سلطنت اکبر نوشته شده. چون قهرمانان اصلی فانی اشخاص تاریخی زمان اکبر می‌باشند و غایی سیاست او در نسبت صلاح میان مذاهب هند و مسلمان جوهر غایوی مثنوی فانی را تشکیل می‌دهد. مختصر خطّ سوژه مثنوی از آن عبارت است که موسی مسلمان‌زاده و ماهینی هندودختر همدیگر را دوست می‌دارند. ولی اختلاف مذهبی، دینی امکان نمی‌دهد که ایشان از شراب وصال همدیگر بچشند. قصّه آنها به صورت فاجعه به انجام می‌رسد.

باید گفت که فانی با آفریدن این مثنوی در چند جاده به توفیق کامیاب شد. در امور به رشته نظم کشیدن داستان‌های محلی اهتمام ورزیده، توانست که یکی از عنعنه‌های مهم داستان‌سرایی را رونق بخشد.

وابسته به اوضاع سیاسی هند و موجودیت تضادهای مذهبی، دینی روش داستان‌سرایی در موضوعات محلی یک شاخه مهم داستان‌های غنایی شعرای فارسی‌زبان را تشکیل می‌دهد. نخستین کسی که در این رویه داستان آفرید امیر خسرو دهلوی بود که با نوشتن داستان «دولرانی و خضرخان» بنیاد غایوی داستان‌های مذهبی، دینی را گذاشت.<sup>۳</sup> از این جهت، مثنوی فانی را یک نوع ادامه منطقی این عنعنه نامیدن ممکن است.

مثنوی دیگر فانی کشمیری «میخانه» عنوان دارد و شامل ۱۲۷۹ بیت است. مثنوی مذکور دارای سوژه یگانه و معینی نبوده، حامل مسایل مختلف تصوّفی، اخلاقی است. در مثنوی «میخانه» برابر مسایل اخلاقی و عرفانی وصف طبیعت کشمیر و آب و هوای آن جای نمایان دارد. از این دیدگاه، این مثنوی را می‌توان محصول تفکر غنی عرفانی و

۱. فانی کشمیری، منتخب اشعار، ص ۱۸۰.

۲. همان، ص ۱۸۱.

۳. بقایف م، حیات و ایجادیات خسرو دهلوی، ص ۱۲۹.



اخلاقی شاعر و از زمره شاهکارهای هنری او نامید.

دیگر مثنوی فانی «مصدرالاثار» از ۲۲۷۸ بیت عبارت است. مثنوی مذکور فراگیر مسایل اخلاقی، تصوّفی بوده، از لحاظ غایه و محتوا تا اندازه‌ای به مثنوی «میخانه» قرابت دارد. فانی «مصدرالاثار» را در پیروی «مخزن الاسرار» نظامی گنجوی به سلک تحریر آورده است و در دیباچه داستان به آن چنین اشاره کرده است:

”چون غواصان محیط معانی و شناوران دریای نکته‌دانی سفینه طبیعت خود را در بحر مخزن الاسرار که به صورت تنگ و در معنی بی‌کنار است، روان کرده، به دستگیری توفیق جواهر بسیار و لعل بی‌شمار به کف آورده‌اند، این ابجدخوان مکتب ساده لوحی نیز بدآموز نشده و چنگ در دامن متابعت ایشان زده، فراخور استعداد خود خزفریزه‌ای چند به ساحل انداخت و آن را فراهم آورده، مسمّا به «مصدرالاثار» ساخت“<sup>۱</sup>.

تاریخ تصنیفاتش از نامش بیرون می‌آید که به حساب ابجد به سال ۱۰۶۷ (۱۶۵۶-۵۷) مساوی است.

مثنوی از ۸ مصدر عبارت بوده، خطّ سوژه یگانه ندارد. باید گفت که تألیف این مثنوی بزرگ صوفیانه که به قول خودش:

نسخه اعجاز مسیحاست این داروی بیماری دل‌هاست این<sup>۲</sup>

فانی را همچون شاعر بزرگ متصوّف در قلمرو هند اشتهار بخشید.

مثنوی آخر فانی کشمیری «هفت اختر» در جواب داستان «هفت پیکر» نظامی گنجوی تألیف گردیده است. مطابق معلومات به ما رسیده شاعر مثنوی مذکور را به اورنگ‌زیب عالم‌گیر بخشیده است. مختصر داستان آن چنین است: شاه ایران، جلال‌الله عاشق دختر شاه چین، خورشید می‌شود. جهت آن که شاه به مراد خویش برسد و از دختر شاه چین کام ستاند، هلال نام جوانی اهتمام افزون می‌ورزد. با این مقصد او راه کشور چین پیش گرفته، رهاره از شهرهای فرغانه، غزنه، هری، کشمیر،

۱. سروری، عبدالقادر، کشمیر میثاقی ادب، یکی از ص ۱۳۶.

۲. ظفرخان، محمد، محسن کشمیری، ص ۴۴.

تبت، ختن و ختای دیدن می‌کند. در انتها هم جلال‌الله و هم هلال در ایران به مراد خویش می‌رسند.

فانی ضمن سفر هلال به شهرهای مختلف کوشیده است که راجع به رسم و آیین و سنت‌های آنها سخن کرده و عنصرهای مخصوص این مناطق را بیان کند. در این زمینه، جنبه تاریخی و مردم‌شناسی داستان نیز خیلی قوی بوده، تحقیقات جداگانه و مشخص می‌خواهد.

همین طور، این چهار داستان «خمسه» ناتمام فانی بوده، مطالعه آنها از دانش قوی عرفانی و فلسفی شاعر گواهی می‌دهد. فانی با آفریدن این داستان‌ها در چند مسئله کامگار شده است:

۱. روش خمسه‌سرایی را هنرمندانه ادامه داد؛
  ۲. غایه صلح کلّ و داستان‌سرایی را در موضوعات محلی مروج ساخت و با این عنعنه پیشینیان، از جمله امیر خسرو را ماهرانه دوام و ترقی داد؛
  ۳. در تکامل داستان‌های عرفانی، اخلاقی سعی نمود و در حلّ و فصل مسایل عرفانی و تصوّفی دستاوردهای جالب را سزاوار شد.
- مثنوی‌های مذکور در سال ۱۹۶۴ با اهتمام استاد امیر حسن عابدی با عنوان «مثنویات فانی کشمیری» در سری‌نگر به طبع رسیدند.
- در برابر این، به قلم فانی چند اثر مثنوی نیز متعلق است که افاده‌گر مقام او در قلمرو نثر فارسی می‌باشند. آثار مذکور از «شرح عین‌العلم»، «دبستان مذاهب»، «دیباچه بر مثنوی ملاشاه» و «نجات‌المؤمنین» عبارتند که به مسایل گوناگون فلسفی و عرفانی و مذهبی تخصص دارند.
- در بین آثار مثنوی فانی «دبستان مذاهب» موقعیت خاص دارد. باید گفت که درباره مؤلف اصلی اثر بودن یا نبودن فانی و در واقع به او متعلق بودن اثر اندیشه‌های مختلف ارائه گردیده‌اند. عامل اصلی تظاهر شکّ و گمان‌ها نسبت به منسوبیت «دبستان مذاهب» به فانی در آن است که مؤلف در مقدمه باری هم نام خود را ذکر نکرده است. وی خویش را به عنوان نامه‌نگار معرفی می‌کند که این موجب تولید عقاید مختلف در نسبت مؤلف اصلی اثر گردیده است.

دلیل معتمد آنهایی که «دبستان مذاهب» را منسوب به قلم فانی دانسته، این اثر را با نام او معرفی کرده‌اند و حتی به چندین زبان دنیا، به مانند انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و... همچون مال فانی ترجمه و نشر کرده‌اند، همان رباعی که در آغاز دو دستنویس «دبستان مذاهب»، واقع در لکهنو و بمبئی آمده است که متعلق به قلم فانیست. همچنین ایشان عبارت «محسن فانی گوید» را نیز که پیش از رباعی مذکور ذکر گردیده، همچون استدلال قوی اندیشه خود درباره منسوبیت «دبستان مذاهب» به فانی استفاده برده‌اند.<sup>۱</sup>

در مورد عقاید گروه دیگر محققان که منسوبیت این اثر را به فانی رد کرده‌اند، می‌توان به نتیجه‌ای رسید که بحث ایشان بررسی و تحقیق عمیق و جداگانه‌ای را می‌خواهد که چنین امکان از حوصله این رساله بیرون است. اما با این همه تضاد در اکثر فهرستها و کتابخانه‌ها این اثر به نام فانی آمده است.<sup>۲</sup>

هر آینه، با آن همه اختلاف نظر «دبستان مذاهب» جامعترین کتابیست که درباره ادیان مختلف بحثهای مشخص می‌نماید. از آن جمله، درباره زردشتیه و تعلیمات آن اندیشه‌های خیلی جالب و مستند بیان گردیده است که به این وجه می‌توان ارزش آن را همچون سرچشمه مهم در شناخت «اوستا» و عقاید زردشتیان مقرر نمود. در این خصوص ما در مقاله علی‌حده‌ای بحث کرده‌ایم.<sup>۳</sup>

از لحاظ محتوا «دبستان مذاهب» فراگیر ۱۲ تعلیم (فصل) بوده، به طریق نثر نوشته شده است و این اثر از زمره آثار جامعی است که برای آموزش مکاتب فلسفی و ادیان و مذاهب مختلف اهمیت خاصه دارد.

۱. اکادمی مخطوطات (توضیحی فهرست)، کلچرل اکادمی کشمیر، ج ۱، ص ۱۰۸؛ تذکره شعرای کشمیر، ج ۳، ص ۱۰۶۵.

2. Askari S. H. Dabistoni-i-mazohib and Diwan-i-Mubad, p.86-104.

3. Ivanov W. Concise descriptive catalogue of the Persian Manuscripts in the Curzon Collection of the Asiatic Society of Bengal, p.544; Kirmani, Waris. Dreams Forgotten, p.280; Marshall D. N. Mughals in India, p. 138; Rieu Charles. Catalogue of the Persian Manuscripts in the British Museum, p.141-142.

۴. غفاروا ض.، دبستان مذاهب و ارزش آن در آموزش میراث آیین زردشتی، ص ۲۸-۳۱.

در پایان باید گفت که فانی کشمیری از سخن‌سرایان برجسته ادبیات فارسی‌زبان هندوستان است که از حوزه ادبی کشمیر برخاسته، چه در نظم و چه در نثر تخصص خود را پیدا نمود. نمونه‌های آثار منثور وی گواه آنند که فانی در علوم مذهبی و عرفانی نیز مقام خاص پیدا کرده، در ظهور بهترین نمایندگان ادب و عرفان کشمیر چون غنی کشمیری و دیگران داشته است.

### منابع

۱. آرزو، سراج‌الدین علی خان، مجمع‌النفایس، لاهور، ۱۹۸۳.
۲. اکادمی مخطوطات (توضیحی فهرست)، ج ۱، کلچرل اکادمی کشمیر، دهلی، ۱۹۸۶.
۳. بقایف م.، حیات و ایجادیات خسرو دهلوی، دوشنبه: دانش، ۱۹۷۵.
۴. حسن، پیرغلام، تاریخ کشمیر، جلد ۲، سری‌نگر، ۱۹۶۰.
۵. خواجه اعظم دیده‌مری، تاریخ اعظمی، سری‌نگر، ۱۸۸۶.
۶. دیوانه‌یف ش.، مقدمه فانی کشمیری، منتخب اشعار، دوشنبه: عرفان، ۱۹۸۶.
۷. راشدی، سید حسام‌الدین، تذکره شعرای کشمیر، ج ۲ و ۳، کراچی، ۱۹۶۷.
۸. سروری، عبدالقادر، کشمیر میں فانی ادب: کی ارتخ، (به زبان اردو)، سری‌نگر، ۱۹۶۸.
۹. سلیم، سید علی حسن خان بهوپالی، صبح گلشن، بهوپال، ۱۲۹۰.
۱۰. شیرخان لودی، مرآت‌الخیال، بمبئی، ۱۳۲۶ شمسی.
۱۱. صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، جلد ۵، بخش ۲، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۷۳.
۱۲. ظفرخان احسن، دیوان به تصحیح محمد اسلم خان، ظفر خان احسن، دهلی.
۱۳. ظفرخان، محمد، محسن کشمیری، حلال، ۱۹۵۹. جلد ۷. شماره ۱.
۱۴. عرفانی خواجه عبدالحمید، ایران صغیر یا تذکره شعرای پارسی زبان کشمیر، تهران، ۱۳۳۵.
۱۵. غفاراو ع.، مقدمه غنی کشمیری، منتخبات، ترتیب‌دهنده و مؤلف مقدمه و توضیحات ع. غفارف، دوشنبه: عرفان، ۱۹۷۸.
۱۶. غفاراو ا.ض.، دبستان مذاهب و ارزش آن در آموزش میراث آیین زردشتی، احیای عجم، ۲۰۰۱.
۱۷. فانی کشمیری، منتخب اشعار، به چاپ آماده کننده و مؤلف مقدمه و توضیحات ش. دیوانه‌یف.، دوشنبه: عرفان، ۱۹۸۶.

۱۸. فهرست نسخ خطی آکادمی علوم تاجیکستان. زیر تحریر ا. میرزایفه ا. م. ا. زند، دوشنبه: دانش، ۱۹۶۸.
۱۹. قدرت الله گوپاموی، نتایج الافکار، بمبئی، ۱۳۳۴.
20. Askari S. H. Dabistoni-i-mazohib and Diwan-i-Mubad, Indo-Iranian Studies, New Delhi, 1977.
21. Ethe H. Catalogue of Persian, Turkish and Hindustani Manuscripts in the Bodleian Library, Oxford, 1889, Part I.
22. Hollister, John Norman. The Shi'a of India, London, 1953.
23. Ivanov W. Concise descriptive catalogue of the Persian Manuscripts in the Curzon Collection of the Asiatic Society of Bengal, Calcutta, 1924.
24. Kirmani, Waris. Dreams Forgotten, Aligarh, 1986.
25. Marshall D. N. Mughals in India. A Bio-Bibliographical survey of manuscripts, London and New York, 1985.
26. Rieu Charles. Catalogue of the Persian Manuscripts in the British Museum, London, 1879, Vol. I.
27. Sprenger A, A catalogue of the Arabic, Persian and Hindustani MSS of the Libraries of the King of Oudh, Vol. I. ,Calcutta, 1854..